

تصمیمات قضائی

۱ - جزائی

حکم شماره $\frac{۱۱۹۰}{۳۶/۳/۳۰}$ هیئت عمومی دیوان عالی کشور

راجع بقتل غیر عمدی با موتور سیکلت با نداشتن پروانه دو رأی مختلف ازدو شعبه ۸ و ۲ دیوان عالی کشور صادر شده.

۱ - حکم شعبه ۲ بشماره ۸۷۱-۳۵/۲/۳۱ حاکیست که چون قانون مذکور مربوط به رانندگان است و به موتور سیکلت سوار اطلاق راننده نمیشود و عرفاً راننده به کسی اطلاع میشود که حمل بار یا مسافر را نماید و عبارت اخیری مقصود سواری خودش نباشد و موتور سیکلت سوار کسی است که غرض سواری شخص خود اوست مثل اسب سوار و غیره بنابراین تطبیق عمل بماده ۲ قانون تشدید صحیح بنظر نمیرسد بلکه در صورت احراز جرم ممکن است بماده ۱۷۷ قانون مجازات عمومی منطبق گردد.

۲ - حکم شماره ۸ بشماره ۴۴۹۲ - ۳۵/۱۲/۱۹ حکم دیوان جنائی را که در مورد فوق با ماده ۲ قانون تشدید مجازات رانندگان منطبق شده استوار کرده است جلسه هیئت عمومی دیوان عالی کشور بریاست رئیس دیوان عالی کشور با حضور دادستان کل و معاون اول دادسرا و آقایان رؤسا و مستشاران شعبه تشکیل است.

پس از قرائت آراء صادره و گزارش جریان کار و مشاوره در اطراف موضوع و استماع بیانات آقای دادستان کل کشور که مبنی بر ابرام رأی شعبه ۸ بوده با مذاقه در موارد مربوطه باتفاق آراء بشرح زیر رأی میدهند:

چون باتوضیح مقنن در ماده ۱ قانون تشدید کیفر رانندگان وسائط نقلیه زمینی یا آبی اطلاق راننده میشود و موتور سیکلت هم عرفاً از جمله وسائط نقلیه محسوب است و راننده آن مطابق مقررات شهربانی باید دارای پروانه باشد در موضوع اتهام سید محمود بقتل غیر عمدی که بر اثر راندن موتور سیکلت بدون پروانه رانندگی و تصادم با آن واقع شده عمل متهم منطبق با ماده ۲ قانون تشدید مجازات رانندگان بوده و حکم شعبه ۸ دیوان عالی کشور صحیحاً صادر شده است.

۴ - حقوقی

حکم شماره $\frac{۸۹۶}{۳۳/۵/۱}$ هیئت عمومی دیوان عالی کشور

در خصوص شکایت فرجامی آقای ابراهیم بطرفیت اداره تصفیه بانک صنعتی ایران نسبت بحکم شماره ۲۹۱ صادر از دادگاه استان مرکز خلاصه جریان امر اینکهدنوا

تصمیمات قضائی

وکیل فرجام خوانده بخواسته توقیف عملیات اجرائی و رسیدگی فوری و ابطال اجرائیه بطرفیت فرجام خواه در دادگاه شهرستان تهران اقامه دعوی مینماید بدین توضیح که خوانده بموجب سند رسمی تنظیمی در دفترخانه شماره ۱۷ برگ اجرائیه بمبلغ دو میلیون و یکصد و شصت هزار و نهصد و پنجاه پنج ریال بر علیه خواهان صادر کرده و بمرحله اجرا درآمده است و حال آنکه طبق شق یک از سند مزبور خوانده موظف بوده که صدی بیست از هزینه معدن زرنیخ زره شوران را بپردازد و طبق شق ه همان سند هم مشارالیه نمیتواند در محصول و میزان زرنیخ استخراج شده مداخله نماید و یا آنکه تاکنون بدهی خوانده و پرداخته نشده و تصفیه حساب بعمل نیامده تا میزان طلبش تعیین گردد مع الوصف قبل از رسیدگی و استحقاق مشارالیه صرفاً باستناد دو برگ صورت مجلس و اظهار نامه که هیچ کدام مورد قبول بانک صنعتی نیست و اجرائیه صادر کرده اینست درخواست رسیدگی و توقیف عملیات اجرائی و رسیدگی را دارد مستند دعوی رونوشت سند رسمی تنظیمی بین طرفین بوده که حاکی است وزارت پیشه و هنر در قبال دعاوی آقای ابراهیم نسبت بمعدن زرنیخ زره شوران صدی بیست از عین محصول معدن نامبرده را برای مدت دوازده سال ابتداء از اولین فروردین ماه ۱۳۱۹ آقای ابراهیم واگذار می نماید و مشارالیه هم بهمین نسبت بایستی هزینه بهره برداری را بدهد و اینکه اگر آقای ابراهیم هزینه سهمی خود را ندهد اداره کل معادن از عین محصول سهمی مشارالیه هزینه مزبور را برداشت خواهد کرد و آقای ابراهیم تحت هیچ عنوان نمیتواند در کار معدن دخالت نماید و چنانچه دولت بسهمی محصول مشارالیه نیازمند باشد آقای ابراهیم سهمی خود را به قیمت عادله بدولت واگذار نماید - و نیز مستند دعوی برگ اجرائیه صادر از اداره ثبت تهران بوده است بالجمله دادگاه شهرستان در نتیجه رسیدگی خلاصه از نظر آنکه طبق صورت مجلس تنظیمی از طرف نمایندگان بانک صنعتی و گزارش اداره تصفیه بانک طلب خواهان بابت سالهای ۲۱ و ۲۲ و ۲۳ و ششماه سال ۳۸ بمقدار مذکور در برگ اجرائیه مسلم است صدور اجرائیه بی اشکال بوده حکم بدعوی خواهان و محکومیتش بمبلغی بابت خسارات حق الوکاله میدهد و بر اثر شکایت اپژوهشی وکیل اداره تصفیه شعبه ه دادگاه استان مرکز خلاصه از نظر آنکه صدور برگ اجرائیه وقتی جایز است که طبق متن سند رسمی تنظیمی بین طرفین باشد و در این مورد مستند برگ اجرائیه اوراق دیگری غیر از سند رسمی تنظیمی بین طرفین بوده حکم دادگاه شهرستان را فسخ مینماید و رأی ببطال برگ اجرائیه ثبتی میدهد و بر اثر شکایت فرجامی آقای ابراهیم شعبه سوم دیوان کشور چنین رأی میدهد (چون ادعای اداره تصفیه بانک صنعتی مبنی بر عدم استحقاق آقای ابراهیم از این جهت است که مشارالیه بدهی خود را طبق مواد مذکوره در سند پرداخته و تصفیه حساب بعمل نیامده و میزان طلب او معین نشده است دادگاه بدون رسیدگی بمحاسبه و جهاتیکه مدعی اظهار نموده و قبل از تشخیص یحقی وی نسبت بوجه موضوع اجرائیه حکم صادر کرده است و رسیدگی ناقص است طبق ماده ۵۵۹ آئین دادرسی مدنی حکم فرجام خواسته شکسته میشود و رسیدگی مجدد بشعبه دیگر دادگاه استان مرکز ارجاع میگردد) پس از آن شعبه ۶ دادگاه استان مرکز رسیدگی نموده بشرح حکم شماره ۶۹۲ حکم دادگاه شهرستان را مبنی بر رد دعوی بانک صنعتی

تصفیهات قضائی

استوار مینماید و پژوهش خواه را پرداخت مبلغی هم بابت خسارت حق الوکاله مرحله پژوهشی محکوم مینماید که بطرف بدهد - اداره تصفیه بانک صنعتی از این حکم شکایت فرجامی مینماید و شعبه سوم دیوان کشور بشرح حکم شماره ۷۲۵ حکم دادگاه استان را نسبت بحساب سه سال ۲۱ و ۲۲ و ۲۳ استوار نموده است ولیکن راجع بحساب ششماهه سال ۳۸ خلاصه از نظر آنکه هیچ یک از اوراق مورد استناد دادگاه حکایت از تعیین مبلغ مذکور در برگ اجرائیه و تعهد بانک صنعتی و سایر مقامات مربوطه پرداخت آن ندارد حکم فرجام خواسته را در این قسمت نقض و ختم امر را بشعبه دیگر دادگاه استان مرکزی ارجاع نموده است - پس از آن شعبه دهم دادگاه استان رسیدگی نموده و چنین رأی میدهد « در مرحله بدوی از طرف اداره تصفیه امور بانک صنعتی اعتراض شده بوده که در متن سند رسمی میزان طالب آقای ابراهیم معلوم نشده و طبق شق یک پیمان تنظیمی آقای ابراهیم موظف است صدی بیست از کلیه هزینه را پردازد و چون مخارج را نپرداخته و تصفیه حسابی بعمل نیامده است از این جهت میزان طلب مشخص نیست لیکن در آن مرحله دادگاه بدوی باین ایراد توجهی نکرده و چنین استدلال کرده است که چون طبق صورت مجلسهای موجوده که بامضای مقامات صلاحیت دار رسیده مقادیر طلب در سه ساله ۲۱ و ۲۲ و ۲۳ و ششماهه سال ۲۸ معلوم گردیده این قبیل صورت مجلسها بر طبق ماده ۱۲۸۷ قانون مدنی در عداد اسناد رسمی بوده و معتبر شناخته میشود و در نظر این دادگاه استدلال دادگاه بدوی در این قسمت استدلال صحیحی نیست چه آنکه فرضاً صورت مجلس ممضی بامضاء مقامات صلاحیت دار در عداد اسناد رسمی باشد معذک صدور اجرائیه موقعی جایز است که مدلول سند رسمی قطعاً حاکی از میزان طلب آقای ابراهیم و دین بانک صنعتی باشد و حال آنکه در متن سند رسمی که مستند صدور اجرائیه میباشد بهیچ وجه بانک صنعتی تعهد پرداخت مبلغ معین نموده و صورت مجلسهای موجوده هم بوضعی نیست که مدلول آن قابل صدور اجرائیه باشد و از این جهت همان گونه که در شعبه ه دادگاه استان مرکز در نتیجه رسیدگی پژوهشی اظهار نظر شده این دادگاه نیز صدور اجرائیه را بوضع فعلی قانونی نمیداند لیکن چون فعلاً نسبت بسه سال ۲۱ و ۲۲ و ۲۳ که قسمت عمده دعوی مربوط به آنست حکم صادره از شعبه ۶ در دیوان کشور است وارد شده و صحت صدور اجرائیه اعلام گردیده است و دادگاه نسبت باین قسمت از دعوی تکلیفی برای اظهار نظر ندارد و از این جهت فقط در مورد صورت حساب ششماهه سال ۲۸ که مبلغ آن معین است حکم صادر از شعبه مزبور را فسخ میکند و بشرحی که فوقاً استدلال شده حکم بابطال اجرائیه نسبت به مبلغی که مربوط به ششماهه سال ۲۸ میباشد صادر و اعلام مینماید و چون در شعبه ۶ دادگاه استان مرکز موضوع خسارت حق الوکاله منظور شده و در دیوان کشور هم حکم در قسمتی استوار شده و ظاهراً اینست که موضوع خسارت حق الوکاله نیز به نسبت مبلغی که مربوط بسه سال میباشد استوار گردیده است علیهذا در این مرحله دیگر نسبت بخسارت حق الوکاله اظهار نظر نمیشود مدلول رأی حضوری و فقط قابل شکایت فرجامی است) این حکم در ۳۳/۷/۲۴ با آقای ابراهیم ابلاغ و در ۲۸ همانماه شکایت فرجامی نموده است و اعتراضات مختصراً آنکه ۱ - دادگاه استان بهمان

تصمیمات قضایی

دلایل وجهاتی که سابقاً شعبه ۵ دادگاه استان استدلال کرده بوده است استناد کرده و مبادرت بصدور حکم فرجام خواسته نموده و حال آنکه شعبه ۳ دیوان کشور این نظریه را مخدوش و سبب نقض حکم دانسته است بنابراین شعبه دهم دادگاه استان دیگر نمیتوانسته بهمان استناد حکم بدهد ۲ - طبق ماده ۵۷۱ لایحه اصلاح آئین دادرسی مدنی محکمه نمیتوانسته خارج از آنچه مورد نظر دیوان کشور بوده است رسیدگی نماید ۳ - دیوان کشور در حکم اخیر خود از اینجهت که اوراق ابرازی اینجانب حکایت از میزان طلب اینجانب و تعهد فرجام خواننده پرداخت آن ندارد حکم دادگاه استان را نقض کرده است و ختم رسیدگی را بشعبه دهم دادگاه استان ارجاع نموده بنابراین شعبه دهم دادگاه استان میبایستی مجدداً باستناد و دلایل اینجانب راجع باستحقاق مبلغ مذکور در برگ اجرائیه رسیدگی نماید و حال آنکه اقدام باین امر ننموده و از رسیدگی شانه خالی کرده است ۴ - علاوه از آنکه مستندات ابرازی اینجانب دلالت بر صحت طلب اینجانب داشته پس از صدور حکم اخیر دیوان کشور برای اثبات صحت طلب علاوه از نوشتجات ابرازی سابق بدفاتر خود بانک و اداره معادن استناد کردم و مخصوصاً بشعبه دهم دادگاه استان تذکر داده بودم که اداره معادن مخارج سهمی اینجانب را مطابق اختیاری که داشته از محصول سهمی من برداشت کرده و باقیمانده طلب بمیزان مذکور در سه برگ اجرائیه در دفاتر اداره معادن ثبت و ضبط شده و درخواست رسیدگی بانها را کرده بودم و دادگاه رسیدگی نکرده است ۵ - از دادگاه شعبه ۳ دهم استان تقاضا کرده بودم که اگر صدور حکم پرداخت قیمت زرنیخ از جهاتی مشکل باشد طبق شق یک از ماده ۵۰۸ آئین دادرسی مدنی دادگاه حکم پرداخت عین زرنیخ سهمی اینجانب که در دفاتر بانک و اداره معادن ثبت و ضبط است و رسیدگی بانها را هم تقاضا کرده بودم صادر نماید و دادگاه در این باب هم رسیدگی نکرده و بهر حال حکم دادگاه بر خلاف مستندات و دلایل ابرازیه و مخالف قانون صادر شده است وکیل فرجام خواننده (اداره تصفیه بانک صنعتی) پاسخ داده استواری حکم را خواسته است.

جلسه هیئت عمومی دیوانعالی کشور بریاست رئیسی کل با حضور آقایان رؤساء و مستشاران شعب و حضور دادستان کل تشکیل است.

پس از قرائت گزارش پرونده و کسب نظر جناب آقای داستان کل که بر قابل طرح نمودن موضوع در هیئت عمومی بوده مذاکره و مشاوره در باب رد یا قبول دادخواست نموده در نتیجه دادخواست را با کثرت قابل طرح در هیئت عمومی ندانسته و رد نمود.

۳ - جزائی

حکم شماره $\frac{۶۳۹}{۳۶/۴/۵}$ هیئت عمومی دیوانعالی کشور

کمال فرزند غلامرضا اهل رابر کرمان باتهام ایراد ضرب و جرح بوسیله بیل بر سر محمد که منتهی بفوت او گردیده است و نیز تاجعلی فرزند غلامرضا باتهام معاونت و شرکت در بزه مزبور مورد تعقیب دادرسی شهرستان کرمان واقع و کیفرخواست

تصمیمات قضائی

باستناد ماده ۱۷۱ قانون مجازات عمومی و ماده ۲۷ قانون مزبور علیه آنان بدیوان جنائی استان هفتم تقدیم و دادگاه مزبور در جلسه پنجم نفری رسیدگی و ارتکاب بزه را از ناحیه کمال ثابت دانسته و با در نظر گرفتن آلت مستعمله و حساس بودن موضع (سر) بزه مزبور را با قسمت آخر ماده ۱۷۱ منطبق شناخته و با رعایت تخفیف و استناد بماده ۴۴ قانون مجازات عمومی او را بهشت سال حبس با اعمال شاقه و پرداخت یک هزار ریال هزینه دادرسی محکوم نموده و برائت تاجعلی متهم دیگر را از بزه معاونت در عمل ارتکابی کمال اعلام داشته است و بر اثر فرجام خواهی کمال محکوم علیه شعبه هشتم دیوان عالی کشور رسیدگی و با این استدلال که بطل آلت قتال نبوده تا عمل انتسابی با ذیل ماده ۱۷۱ قابل انطباق باشد حکم را مخدوش دانسته و با نقض آن رسیدگی را بدیوان جنائی اصفهان ارجاع کرده و دیوان جنائی اصفهان نیز با تشکیل جلسه پنجم نفری رسیدگی و با در نظر گرفتن گواهی پزشکی که مرگ را شکستگی استخوان جمجمه و خونریزی دانسته بوده با توضیح باینکه طبق نظر آقای دکتر ر در دادگاه محل ورود ضربه از مواضع حساس و آلت حرم باعتبار حساس بودن موضوع قتاله میباید بزه انتسابی بمتهم را مشمول آخر ماده ۱۷۱ قانون مجازات عمومی و ناظر بماده ۱۷۰ آن قانون شناخته و با احراز اینکه در تاریخ وقوع عمل سن متهم از ۱۸ سال تمام کمتر بوده است با رعایت ماده ۳۶ قانون مزبور او را به سه سال حبس در دارالتأدیب محکوم نموده و کمال محکوم علیه هنگام اعلام رای فرجام خواسته و ضمن لایحه مورخ ۱۲ اردیبهشت ماه ۱۳۳۵ با اشاره به بی گناهی خود و استناد رأی شعبه هشتم دیوان عالی کشور اشعار داشته که عمل او با فرض ثبوت مشمول قسمت آخر ماده ۱۷۱ نبوده است.

جلسه عمومی دیوان عالی کشور بریاست رئیس کل دیوان عالی کشور با حضور دادستان کل و معاون دادرسی دیوان مزبور و آقایان رؤساء و مستشاران دیوان عالی کشور تشکیل پس از قرائت گزارش جریان پرونده و مطالعه آراء صادره و مذاقه در موارد مربوطه در اطراف موضوع و استماع بیانات دادستان کل کشور که مبنی بر ابرام بود با کثرت آراء بشرح زیر رای میدهند.

قسمتی از اعتراضات فرجام خواه اشعار بر بی گناهی او است که در مرحله تمیزی قابل توجه و امعان نظر نمیباشد و اعتراض دیگر او باین عنوان که عمل انتسابی با فرض ثبوت مشمول ماده ۱۷۱ قانون مجازات عمومی و مخصوصاً قسمت اخیر آن نمیباشد با توجه بدلائل و مستندات موجوده در پرونده کار که در حکم فرجام خواسته مندرج است بنظر نمیرسد و چون بر حکم مزبور از جهت رعایت اصول و قواعد دادرسی و تطبیق با مواد قانونی و تعیین کیفر اشکالی مشاهده نمیشود حکم مزبور ابرام میگردد.